

سفر نامه

شب یلدا در شیراز چه می‌گذرد؟



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت‌گردی

برنامه‌ریزی سفرمان به گونه‌ای بود که شب یلدا را باید در قطار تهران-شیراز بگذرانیم. سفر نمی‌تواند بهانه باشد تا سنت‌ها را به‌جا نیاوریم. پس تصمیم گرفتیم که جشن شب یلدا را در قطار بگیریم. همسفران هر یک مسئولیت یکی از ملزومات سفره شب یلدا را به عهده گرفتند. قرار بود شب یلدای متفاوتی را رقم بزنیم و همه هیجان‌زده باشیم. بارها چک می‌کردیم که کسی چیزی جا نگذاشته باشد. سوار قطار شدیم و هر کس در کوپه خود مستقر شد. بعد از چک کردن بلیط‌ها توسط رئیس قطار و نزدیک شدن به شب، با مسئول قطار صحبت کردیم و با کسب اجازه قرار شد مراسم شب یلدا را به همراه مهمانداران قطار برگزار کنیم. وسایل یکی یکی از کوله‌پشتی‌ها بیرون آمد و با هیجان به سمت واگن رستوران رفتیم. سفره را چیدیم و مشغول گپ و گفت و خوردن انار و آجیل و هندوانه و باقی خوراکی‌های مخصوص این شب باستانی شدیم. مهمانداران نیز از همه‌ها و اشتیاق ما برای برگزاری جشن شب یلدا خوشحال بودند و ما را در این مراسم تنها نگذاشتند. خوراکی‌ها را خوردیم و حافظ خواندیم و پاسی از شب گذشته سفره‌مان را جمع کردیم و به کوپه‌هایمان باز گشتیم. به شیراز که رسیدیم با یک دستگاہ مینی‌بوس به سمت اقامتگاه رفتیم و بعد از گذاشتن وسایل در خانه محل اقامت‌مان آماده شدیم برای گشت و گذار در شهر شعر و عشق. اولین جایی که برای بازدید رفتیم دروازه قرآن بود. در قدیم شیراز دارای شش دروازه بوده‌است. هم‌اکنون در شیراز در دروازه‌ای بجز دروازه قرآن وجود ندارد، اما مردم شیراز هنوز به محل دروازه‌های قدیمی اشاره می‌کنند که عبارتند از: دروازه قرآن، دروازه اصفهان، دروازه سعدی، دروازه قصابخانه، دروازه کازرون، دروازه شاه داعی الی‌اله. در مدخل تنگ‌الله اکبر با دروازه‌ای روبرو می‌شویم، که به دروازه قرآن معروف شده‌است.



این دروازه به دستور عضدالدوله دلمی ساخته شده‌است. وجه تسمیه آن بخاطر قرآنی است، که به دستور امیر در آن گذاشته شده بود تا مسافرین به سلامت از زیر آن عبور کنند. این طاق به مرور زمان به خرابی رفت، تا این که در زمان کریم‌خان زند آن‌نو ساخته شد. این دروازه با نابخردی شهرداری شیراز در سال ۱۳۱۵ شمسی با دینامیت ویران شد. بار دیگر این دروازه با بلندنظری یکی از بازرگانان معروف شیراز به نام حسین ایگار در سال ۱۳۲۸ شمسی تجدید بنا شد. در اتاقک‌های کناری این بنا، ایگار و همسرشان دفن شده‌اند. دروازه قرآن در فاصله کمتر از ۱۰ متری مقبره خواجوی کرمانی و همچنین فاصله کمتر از هزار متری مقبره شاعر نامدار پارسی‌زبان حافظ شیرازی و باغ جهان‌نما قرار دارد. بعداز دروازه قرآن به سمت ارگ کریم‌خانی در مرکز شهر شیراز رفتیم. این ارگ در دوره سلطنت سلسله زندیه ساخته شده‌است و پس از اینکه کریمخان زند شیراز را به عنوان پایتخت خود و این مکان را به‌عنوان مکان زندگی خود انتخاب کرد، به ارگ کریم‌خانی معروف شد. در دوره قاجاریه به‌عنوان محل زندگی فرمانداران محلی استفاده می‌شد و در زمان سلطنت سلسله پهلوی از ارگ به‌عنوان زندان استفاده شد. بعد از بازدید از ارگ به محل اقامت بازگشتیم و با دوستان شیرازی‌مان در مورد آداب و رسوم شب یلدا در شیراز صحبت کردیم. شیرازی‌ها در شب یلدا برای پذیرایی مهمانان سفره‌ای رنگین می‌گسترانند. در این سفره آینه، دولاله و چند شمع روشن، اسفند و انواع تنقلات شامل نخودچی، کشمش، حلوائی‌ارده و آجیل مشکل‌گشا، رنگینک، ارده شیر، خرما، انجیر، به همراه چند شاخه گل قرار می‌گیرد. غذای ویژه شیرازی‌ها در شب یلدا هویج‌پلو به همراه کشمش، مغز گردو و رب است. شیرازی‌ها به شب یلدا شب چله نیز می‌گویند. و ما امسال دوبار شب چله را جشن گرفتیم.

تولد خورشید در سپهر ایران زمین

شوکت شب آخر شد



بگاه‌دهدار، راهنمای گردشگری

در ایران و سرزمین‌های هم‌فرهنگ مجاور، از شب آغاز زمستان با نام «شب چله» یا «شب یلدا» نام می‌برند که هم‌زمان باشب‌انقلاب زمستانی است.

به‌دلیل دقت گاهشماری ایرانی و انطباق کامل آن باتقویم طبیعی، همواره و در همه‌سال‌ها، انقلاب زمستانی برابر با شامگاه‌سی‌ام‌آذرماه و یاامداد یکم‌دی‌ماه است. هر چند امروزه برخی به اشتباه بر این گمانند که مراسم شب چله برای رفع نحوست بلندترین شب‌سال برگزار می‌شود؛ اما می‌دانیم که در باورهای کهن ایرانی هیچ روز و شبی، نحس و بد یوم شناخته نمی‌شده‌است. جشن شب چله، همچون بسیاری از آیین‌های ایرانی، ریشه‌در رویدادی کیهانی دارد. آغاز بازگردیدن خورشید بسوی شمال شرقی و افزایش طول روز، در اندیشه و باورهای مردم باستان به‌عنوان زمان زایش یا تولد دیگر باره خورشید دانسته می‌شد و آن را گرمی و فرخنده می‌داشتند.

در گذشته، آیین‌هایی در این هنگام برگزار می‌شده که یکی از آن‌ها جشنی شبانه و بیداری تاامداد و تماشای طلوع خورشید تازه متولد شده، بوده‌است. جشنی که‌از لازمه‌های آن، حضور کهنسلاان و بزرگان خانواده، به‌نماد کهنسالی خورشیددر پایان پاییزاست، و همچنین خوراکی‌های فراوان برای بیداری درازمدت که همچون انار و هندوانه و سنجد، به‌رنگ‌سرخ خورشید باشند. معمولاً در شب یلدا رسم بر این است که صاحب‌خانه، دیوان حافظ را به‌بزرگتر فامیل که سواد دارد، می‌دهد. سپس هر یک از میهمانان نیت کرده و بزرگ مجلس، این جمله را می‌گوید و تعلی به گنجینه حافظ می‌زند: «ای حافظ شیرازی! تو محرم هر رازی/ بر ما نظر اندازی/ قسم، به قرآن مجیدی که در سینه داری... یا هر چیزی شبیه به این. این رسم یکی از رسوم پُرطرفدار شب یلداست که سرگرمی خوبی برای خانواده‌ها در این شب‌بلندسال است.

جشن یلدا در ایران امروز نیز با گرد هم آمدن و شب‌نشینی اعضای خانواده و اقوام در کنار یکدیگر برگزار می‌شود. آیین شب یلدا یا شب چله، خوردن آجیل مخصوص، هندوانه، انار و شیرینی و میوه‌های گوناگون است که همه جنبه نمادین دارند و نشانه برکت، تندرستی و فراوانی و شادکامی هستند. در این شب هم‌مثل جشن تیرگان، فال گرفتن از کتاب حافظ مرسوم‌است.

تهران

تهرانیان در همه اعیاد خود سنت حسنه جمع‌شدن افراد خانواده در منزل بزرگتر خانواده را منظور می‌کردند و همه فرزندان خانواده در منزل مادر و پدر جمع می‌شدند. از سن یلدای

تهران، صرف میوه‌های تابستانی از جمله هندوانه و همچنین آجیل شب یلداست که ترکیب آن نشانی از اعتقاد و تجربه اهالی تهران قدیم به‌خواص گوناگون میوه‌های خشک شده دارد و با عنوان «آخشِیج» کاربرد داشته‌است.

کهنیلو به‌وبویر احمد

در استان کهنیلو به‌وبویر احمد، همه اعضای خانواده گرد هم جمع می‌شوند تا پیرترین امدوست داشتنی‌ترین فرد خانواده برایشان متیل بگویند. متیل داستانی افسانه‌ای و طولانی است که نسل به نسل و به‌طور شفاهی از گذشتگان به‌ارث رسیده‌است. دیگر اینکه در این شب به نیت بارش برف و سفیدی زمستان آتش‌های محلی مثل شیربرنج و بادووا (آش‌دوغ) درتشت‌های بزرگ می‌پزند تا جوابگوی جمعیت زیاد اعضای خانواده باشد و اعتقاد دارند چون ایرانی، ریشه‌در رویدادی کیهانی با

آغاز بازگردیدن خورشید بسوی شمال شرقی و افزایش طول روز، در اندیشه و باورهای مردم باستان به‌عنوان زمان زایش یا تولد دیگر باره خورشید دانسته می‌شد و آن را گرمی و فرخنده می‌داشتند.

گیلان

مردم استان گیلان در شب یلدا از تنقلاتی مانند هندوانه، آب‌انگیل یا آب کونوس، برشته برنج و سه میوه محلی پرنقال، گلابی محلی به‌نام «خوج ولیمو» استفاده می‌کنند. در گیلان هندوانه را حتماً فراهم می‌کنند و معتقدند که هر کس در شب چله هندوانه بخورد در تابستان احساس تشنگی نمی‌کند و در زمستان سرما را حس نخواهد کرد.

همچنین مردم شهرها و روستاهای شرق گیلان در شب یلدا هنگام بریدن هندوانه شعری را با مضمون «هشب شب چله / خاتم جیر (زیر پله) قاچوق نیم/ هندنانه کله‌سر) می‌خوانند. در میان برخی مردم وجوانان بدخمتان استان مرسوم‌است که در شب یلدا فال هندنانه پوس (پوست هندوانه) می‌گیرند. برای گرفتن این فال هندوانه را به چهار قسمت طولی تقسیم می‌کنند و هر چهار پوست را به پشت سر خود می‌اندازند. در این میان، چهار حالت پیش می‌آید، اگر دو قاچ هندوانه، سفید و دو قاچ، سبز باشد، به‌معنای حد وسط بودن برای نیت شخص است. اگر سه قاچ سبز و یک قاچ سفید بیفتد، نیت آن خوب است، اگر سه قاچ سفید و یک قاچ سبز باشد، نیت بد است، اگر هر چهار قاچ سبز باشد، به معنای خیلی خوب و اگر هر چهار قاچ سفید باشد، به معنای خیلی بد است.

فارس

استان فارس آداب خاص و جالبی برای شب یلدا دارند. در این شب افراد فامیل با خوردن میوه و آجیل‌های مخصوص که از انجیر، قصبک، خرک، برنجک تشکیل شده است شب را به صبح می‌رسانند. یکی از مراسم‌هایی که در میان خانم‌ها انجام می‌شود فال کلوک است. کلوک یک کوزه بزرگ با دهانه گشاد است که در این شب خانم‌های نشانه خاصی را در کوزه می‌اندازند و سپس یک دخترچه می‌آید و نشانه‌ای

خودمان را امروز بریدیم) می‌گویند و معتقدند با خوردن هندوانه، لرز و سوز سرما به تشنان تأثیر نداشته و اصلاً سرمای زمستان را حس نمی‌کنند.

پیش از این که ارتباطات به این آسانی نبود در آذربایجان از اواخر تابستان مقدار زیادی هندوانه و خربزه در تور می‌گذاشتند و آن را از سقف آشپزخانه آویزان می‌کردند تا در هوای آزاد خراب نشود و یا اینکه در کاه قرار می‌دادند. هندوانه مهمترین خوراک شب چله مردم آذربایجان شرقی است. اغلب مردم در این شب برنج، مرغ و آش شیر پخته و بعداز شام نیز از تنقلات موجود در منزل شامل قاورقا (گندم برشته یا شاهانه) آجیل، لبو، هویج، حلوائی گردو انواع میوه، خربزه، هندوانه و خشکبارهایی چون انگور، بادام و سنجد میل می‌کنند. زنان معمولاً تا پایان چله کوچک خانه‌تکانی نمی‌کنند و اعتقاد دارند اگر در طول این

دو چله کسی خانه‌تکانی کند، چله او را نفرین می‌کند و اگر چله کسی را نفرین کند به نکبت و بدبختی گرفتار می‌شود.

مرکزی

آیین شب یلدا در استان مرکزی از دیرباز در سه شب متوالی با عناوین شب «چله‌بزرگ»، «چله وسطی» و «چله کوچک» برگزار می‌شده‌است. در شب‌های چله افراد فامیل در همایشی صمیمی دور کرسی چوبی جمع می‌شدند و فردوسی‌بزرگترها گوش می‌دادند. زنان و دختران روستایی در گرگ‌ومیش شب‌های چله در تکاپو و هیجانی خاص سینی‌های قدیمی مسی در فضای دوده‌گرفته آشپزخانه‌های قدیمی، انواع میوه و تنقلات به ویژه هندوانه، انگور، تخمه و نخودچی کشمش و خرما را میهمایی کردند.

بزرگترها و ریش سفیدان فامیل در این شب علاوه بر خواندن اشعار حافظ، سعدی و فردوسی خاطرات و داستان‌های کهن ایران زمین را برای اعضای خانواده نقل می‌کردند. در شب یلدا، بزرگترها با کودکان هم بازی می‌شدند، «پرو یا پوچ» دزدبازی و مشارع را در جمله بازی‌هایی است که در شب چله در مناطق مختلف استان مرکزی و به‌شمارکت همه‌اعضای خانواده رواج داشت.

قزوین

در استان قزوین به عقیده بزرگ‌ترها آوردن میوه‌های مختلف خشک و تر و میوه‌های سرخ‌فام که به «شب چره» معروف است، همراه با خوراکی‌های دیگر شگون داشته و زمستان بر برکتی را نویدمی‌دهد. در بعضی مواقع که مادر بزرگ‌ها در آوردن تنقلات تأخیر می‌کنند کوچکترها شعر «هر که نیارد شب چره انبارش موش بچره» سر می‌دهند و مادر بزرگ در آوردن «شب چره» تعجیل می‌کنند. به عقیده مادر بزرگ‌های قزوینی اگر در این شب ننه سرما گریه کند باران می‌بارد، اگر پنبه‌های لحاف بیرون بریزد برف می‌آید و اگر گردنبند مرواریدش پاره‌شود تنگ‌گرمی‌آید. یکی دیگر از آداب و رسوم «شب یلدا» فرستادن «خونچه چله» از سوی داماد به عنوان هدیه زمستانی برای عروس است. در این خونچه برای عروس پارچه، جواهر، کله‌قند و هفت نوع میوه مثل گلابی هندوانه، خربزه، سیب، به یا ترنیتان خاصی فرستاده می‌شود.

همدان

همدانی‌ها فالی می‌گیرند با نام فال سوزن. همه دور تا دور اتاق می‌نشینند که در این شب خونچه‌های تزئین شده به‌خانه تازه عروس یا نامزد خانواده بفرستند. مردم آذربایجان در سینی خود هندوانه‌ها را تزئین می‌کنند و شال‌های قرمزی را اطرافش می‌گذارند. در شب یلدا مردم آذربایجان غالباً اولین ضربه قاچ‌وارو ریش سفید مجلس به نشانه خاصی را در کوزه می‌اندازند و سپس یک دخترچه می‌آید و نشانه‌ای

خراسان

در شهرهای خراسان خواندن شاهنامه فردوسی در این شب مرسوم است. یکی از آیین‌های ویژه شب یلدا در استان خراسان رضوی و خراسان جنوبی برگزاری مراسم «کف‌زدن است. در این مراسم ریشه گیاهی به نام چوبک را که در این دیار به «بیخ مشهور است، در آب خیسانده و پس از چند بار جوشاندن، در ظرف بزرگ سفالی به‌نام «تغار می‌ریزند. مردان و جوانان فامیل با دسته‌ای از چوب‌های نازک درخت انار به نام «دسته‌گز مایع مزبور را آنقدر هم می‌زنند تا به صورت کف درآید و این کار باید در محیط سرد صورت گیرد تا مایع مزبور کف کند. کف آماده شده با مخلوط کردن شیر شکر آماده خوردن شده و پس از تزئین با مغز گردو و پسته برای پذیرایی مهمانان برده می‌شود. در این میان گروهی از جوانان قبل از شیرین کردن کف‌ها یا پرتاب آن به‌سوی همدیگر و مالیدن کف به سر و صورت یکدیگر شادی و نشاط را به جمع مهمانان می‌افزایند.

خوزستان

مردم خوزستان در این شب تا سحر انتظار می‌کشند تا از قارون افسانه‌ای استقبال کنند. قارون در لباس هیزم‌شکن برای خانواده‌های فقیر تکه‌های چوب می‌آورد. این چوب‌ها به طلا تبدیل می‌شوند و برای آن خانواده ثروت و برکت به همراه می‌آورند. به خانه‌بزرگترها رفته و دور هم جمع شده و شب را به شوخی و خنده می‌گذرانند. آجیل، هندوانه، انار، شیرینی و خرما و لب‌وآش و شیرینی‌های مختلف از جمله خوراکی‌های این آیین کهن است.

هرمزگان

مردمان هرمزگان به تهیه غذاهای سنتی همچون نان‌رگاک و درست کردن سسی به نام سسوراع و مهبواه که بعد از تهیه به همراه نان میل می‌شود مشغول می‌شوند. غذای دیگری که در این شب مورد استقبال هرمزگانیان قرار گرفته هواری ماهی و قلیه‌ماهی است که خوردن آن در جمع صمیمی و گرم خانواده صفایی دارد. این مردمان با زدن سازه‌ای بادی به‌شادی و پایکوبی می‌پردازند و آخرین روز پاییز را با شادی پشت سر می‌گذارند و در پایانی‌ترین دقائق آن بزرگان فامیل برای کوچک‌ترها دعای عاقبت به خیری می‌نمایند.

چهارمحال و بختیاری

در شب یلدا در استان چهارمحال و بختیاری، چند خانواده دور هم جمع می‌شوند و کسانی که شاهنامه را حفظ هستند برای دیگران می‌خوانند. خیلی پیش آمده که کسانی که شاهنامه را از بر می‌خوانند حتی سواد خواندن و نوشتن نداشته باشند بختیاری‌ها اعتقاد دارند در شب یلدا، ماست، شیر، پنیر، کنجد، کدو و نان جوی که خورده می‌شود تا پایان سال موجب فروزی و فراوانی نعمت می‌شود و باعث می‌شود که تناسل بعد از این نعمت‌ها بخورند. شب یلدا در قوم بختیاری به‌عنوان شب چله خوانده می‌شود بختیاری‌ها در این شب کدو تنیل‌های بزرگی که نماد خورشید را بر این‌ها دارد، آب‌پزمی‌کنند و آن را به صورت ریز ریز شده در آش کشک می‌خورند.

یزد

در این شب اقوام در کنار هم غذاهای سنتی یزدی مانند آش شولی یزدی صرف می‌کنند. آش شولی یکی از غذاهای مسورد علاقه مردمان یزد که سبزی خاص این آش (اسفناج شویویدر، برگ چغندر)، چغندر، نعناع خشک، سرکه‌از مهم‌ترین مواد تشکیل‌دهنده‌ای آن سنتی است.

لرستان

شب چله در میان مردم مناطق لر و لر نشین دارای آداب و رسوم خاصی است و به آن «شو اول قاره» می‌گویند. شب نشینی، دید و بازدید اقوام، فال چهل سرو، فال حافظ، پختن غذاهای خاص

این شب، دراز کردن شال یا چادری از پشت بام همسایه برای دریافت آجیل و میوه از سوی دیگر همسایگان و خواندن اشعاری به همین منظور مثل، امشاول قار، خیرد هونت‌بواره (امشب اول یلدا یا اول زمستان است خیر از خانه‌ات ببارد)، نون و پنیر و شیر و کیک‌هاونت نمیره (نان خانه‌ات نمیرد)، چی به علی کوشسکه بیاره (چیزی بده علی کوچک یا بچه‌ات بیاورد) می‌خوانند.

قم

مردم قم به رسم گذشته برای شب یلدا آجیلی از گندم برشته و سوهان و کشمش، کنجد، شاه‌دانه، گردو و فندق تهیه نموده‌ودر کنار سایر تنقلات مصرف می‌نمایند. در این شب اگر دختری تازه عروس باشد خانواده او هدیه‌ای با مقداری آجیل و میوه و شیرینی به منزل داماد می‌آورند و اگر پسر و دختری باهم نامزد باشند، خانواده پسر در شب یلدا هدیه‌ای برای این دختر به منزل پدرش می‌برند. در گذشته اوایل شب یلدا بعضی از پسر بچه‌ها به بالای پشت بام منازل رفته و ریسمانی را به یک شال بزرگ بسته به پایین و به طرف درب خانه‌ها می‌فرستادند و شعر می‌خواندند و سپس صاحب‌خانه مقداری آجیل و میوه و شیرینی در شال آن‌ها می‌گذاشت و بچه‌ها از صاحب‌خانه تشکر می‌کردند.

کرمان

هندوانه، انار، آجیل، کماج و کلمپه و سایر شیرینی‌های محلی در خانه‌های کرمانی در این شب دیده می‌شود. خوردن انواع آجیل‌ها، حافظ خوانی گرفتن فال نخود، چهاربیتی خوانی نیز از دیگر مراسم این شب‌است.

از انواع بازی‌ها و تفریحات این شب هم یک بازی بوده به نام «مار دور» که عبارت بود از اینکه هر فردی که در مهمانی شب یلدا بوده باید نیت می‌کرده و یک شی کوچک مانند تکه، سوزن قفلی، سکه و یا هر شی کوچک دیگر در ظرفی سفالین به شکل پارچ می‌انداخته. سپس یک نفر مسئول برداشتن اشیاء از ظرف می‌شد و دیگران یک بیت شعر می‌خواندند. بعد از آن مسئول ظرف هم به‌طور شانس‌ی یک شی در می‌آورد و آن شعری که خوانده می‌شود به عنوان فال صاحب شی بود. بعد از بازی مادوره نوبت به تعریف یک خاطره شیرین یا یک لطیفه می‌رسید که همه افراد می‌بایست آن را تعریف کنند.

سمنان

از آداب و رسوم کویرنشینان استان سمنان در شب چله به عنوان «یلدان یلدان» نام برده می‌شود. دیگری خواندن شاهنامه و نقال به حافظ در جمع خانواده است. نواختن نی همراه با مزه‌ترانه‌ها و ادبیات محلی و نیز انجام بازی‌های محلی در بسیاری نقاط از جمله سرگرمی‌های مردم در بلندترین شب سال بشمار می‌رود. انجیر خشک و مخصوص، بر، گره زردآلو، تخم‌مرغ و انگور، مویز، توت خشک، نقل، سنجد، کشمش، بادام، هسته زردآلو، تخم کدو، تخم هندوانه، کنوکنجی (شاهدانه) حلوائی سیاه، شیره انگور، شیر و توت، لبو پخته، مغز گردو، حلوا کنجد، حلوائی آرنجه، حلوائی سیاه، هندوانه، خربزه، شلقم، انار، به، سیب و شیرینی که هر یک نمادی به نشانه برکت، تندرستی، فراوانی و شادکامی به شمار می‌روند، از آیین‌های مردم استان در شب چله است و از جمله غذاهای این شب نیز «ته چین اسفناج» و «خورش فسنجان» است، همچنین بیدار ماندن تا پاسی از شب از جمله آداب و رسوم شب یلدا در این منطقه است. در بسیاری از روستاهای استان سمنان مرسوم است که دامداران در شب چله گوسفند پروری را تحت عنوان «چله گشی» قربانی کرده و گوشت آن را قرمه می‌کنند، از این گوشت که در شکمبه حیوان ذخیره می‌شود، برای تهیه غذا در فصل سرد سال بهره می‌برند.